

رابطه جرم و جغرافیا

نعمت اله ناروقه، فرهاد اله وردی میگونی، مهدی کاظمی جویباری^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

چکیده

امروزه یکی از رشته‌های علمی کاربردی در علوم انتظامی و جرم‌شناسی «جغرافیا» است. از جغرافیا؛ بعنوان یک رشته علمی بنیادی یاد می‌شود؛ چراکه به سراغ هر پدیده و فرایندی که می‌رویم ناچاریم از مکانی که در آن ایجاد شده و گسترش پیدا کرده و در نهایت باقی مانده یا از بین رفته صحبت کنیم و شرایط مکانی آن را شناسایی کنیم. یکی از این پدیده‌ها «جرم یا بزه» است. وجود و شیوه ایجاد جرم در مکان‌های مختلف، متفاوت است. بگونه‌ای که «شرایط مکان» در وجود و عدم وجود، گسترش یا عدم گسترش جرم حائز اهمیت زیادی است. البته باید در نظر داشته باشیم که هر مکانی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی دارای مولفه‌های و متغیرهای گوناگونی است که در مقدار وزن مکانی یا همان قدرت مکان دخالت مستقیم و غیر مستقیم دارد. لذا، هرچه قدرت مکان بیشتر شود شرایط برای ارتکاب جرم کمتر خواهد شد. این مقاله بنیادی، با روش توصیفی-تحلیلی در صدد بیان رابطه جرم و جغرافیا بویژه در شهرهای بزرگ عصر حاضر است. اهمیت تحقیق از اینروست که با تشریح نظریات و دیدگاه‌های مربوطه در صدد پاسخ به این سوال است که چرا در برخی مکان‌ها جرم و جنایت افزایش یافته و در برخی دیگر شاهد کاهش جرم هستیم؟ در واقع، به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که رابطه‌ای مستحکم بین فضای جغرافیایی و جرم وجود دارد که مجرمان قبل از ارتکاب به جرم نخستین افکار خود را در چارچوب سوژه مورد نظر با در نظر گرفتن شرایط مکانی غربالگری می‌کنند.

کلیدواژگان: جغرافیا، جرم، مکان، محیط، پیشگیری

۱- دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایت اله آملی، نویسنده مسئول، (ایمیل: Nan.teh67@gmail.com)

۲- استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران

۳- استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایت اله آملی

مقدمه

جغرافیا، علم مکان و فضا است که به دنبال مطالعه پراکنش فضایی پدیده‌ها و روابط فضایی آنها در سطح زمین است. در چارچوب این تعریف، مفاهیم فضایی مانند نحوه قرارگیری، ساماندهی، توزیع، الگوی پخش، شکل، رتبه بندی، فاصله، موقعیت، طبقه بندی و روابط جغرافیایی و شبکه‌ای مطالعه و بررسی می‌شود (حسینی، ۱۳۹۷: ۲). مکان‌ها و مناطق جغرافیایی مختلف، بر اساس موقعیت و مشخصات خود ارزش‌های متفاوتی دارند. مجموعه این ارزش‌ها که عمدتاً متأثر از عوامل جغرافیایی‌اند، به یک مکان یا منطقه «قدرت» می‌بخشند و مکانها یا مناطق هم معمولاً از این قدرت در راستای «توسعه حوزه نفوذ» و «اثرگذاری» (منفی یا مثبت) استفاده می‌کنند. در واقع، کشف وقوع پدیده هادر مکان‌های مختلف، تأثیر آن‌ها بر یکدیگر و علل وقوع آن‌ها از وظایف این علم محسوب می‌شود. یکی از این پدیده‌ها جرم است که وقوع آن موجب کمرنگ شدن امنیت در جامعه می‌شود (عبادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). بررسی محیطی جرم اعم از محیط طبیعی و انسانی در حوزه جغرافیایی قرار می‌گیرد. در واقع، به علل محیطی وقوع جرایم پرداخته می‌شود. به عبارتی دیگر، در راستای ارتباط جغرافیا و جرم شاخه‌ای علمی در دانشگاهها و حوزه‌های علمی وجود دارد، به نام جغرافیای جرم که در صدد شناسایی دلایل محیطی تسهیل‌کننده جرم می‌باشد (همان، ۲۶). بنابراین، وقوع جرم، علاوه بر بزه‌کار و بزه دیده، به مکان وقوع جرم نیز نیاز دارد. مجرمین، معمولاً در انتخاب عمل مجرمانه خود تصمیمی منطقی و عاقلانه گرفته و برای رسیدن به هدف خود در درجه اول امکانات مکان را در نظر می‌گیرند (رحمت، ۱۳۹۰: ۲۴۶).

به نظر می‌رسد افزایش میزان جرم و خشونت‌ها در اکثر کشورهای جهان، موجب طرح نظریه‌های جدید پیرامون ارتباط مکان و جرم شده است. شناسایی مکان‌های مستعد برای ارتباط بزه در شهرها و تلاش برای پیشگیری و کاهش میزان جرایم، اهمیت بسزایی در مقطع کنونی دارد.

با توجه باینکه محیط در طرز رفتار شهروندان با تمام شرایط و امکاناتی که وجود دارد، موثر است، بنابراین، بررسی مکان‌ها و فضاهای امن و غیر امن در حیطه جغرافیایی نمود پیدا می‌کند و اهمیت این تحقیق از اینروست که در این مقاله سعی می‌شود؛ ارتباط جغرافیا (محیط، مکان، فضا) و جرم بررسی شود و با توجه به نظریات و دیدگاه‌های که وجود دارد به ارائه یک نظریه بنیادی و عملکردی برای تسهیل برنامه ریزی در پیشگیری و کشف جرایم محیطی پرداخته شود. به طور کلی باید گفت: «از آن جا که عوامل محیطی یا همان شرایط مکانی باعث ایجاد انگیزه و موفقیت فرد مجرم می‌شوند، یکی از راه حل‌های ضروری در امر پیشگیری از جرم شناسایی مکان‌های مستعد جرم و برنامه ریزی جهت طراحی صحیح عملیاتی جهت پیشگیری از جرائم می‌باشد».

روش تحقیق

این پژوهش، از نوع بنیادی و نظری است و شیوه تحلیل اطلاعات نیز توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش‌شناسی کیفی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای است. همچنین، سعی بر آن است، ضمن بیان ارتباط جغرافیا و جرم در فضای شهرها؛ ارتباط معنایی و محتوایی بین این مدل با متن مقاله برقرار شود. در این راستا برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف مبتنی بر استنتاج عقلانی، کوشش شده به تبیین جغرافیای جرم و جنایت بویژه از دیدگاه اندیشمندان مشهور پرداخته شود. بنابراین، این تحقیق با به‌کارگیری متغیرهای اصلی مانند جرم، جنایت و جغرافیا، درصدد دستیابی به نتیجه قابل تعمیمی درباره رابطه جرم و جغرافیا است.

مبانی نظری

مسائل ایمنی و امنیت شهری با انواع مختلفی از آسیب پذیریهای انسانی در ارتباط است. یکی از مهم ترین آن ها آسیب پذیر بودن شهروندان در برابر بحران های انسانی، است (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۷۸). میزان جرائم شهری با درجه توسعه شهری در رابطه است. به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرائم نیز افزایش می یابد. در سالهای اخیر در تحلیل جرائم شهری سه نظریه بیش از دیگر نظریات طرفدار داشته است:

الف) پیدا کردن رابطه میان انواع جرائم و هفت عامل اجتماعی: این عوامل عبارتند از: تحصیلات، میزان اجاره خانه، میزان تراکم جمعیت، اقلیتهای قومی در شهرها؛ غیر استاندارد بودن عوامل محیط زندگی، میزان متولدین خارجی، مالکیت خانه.

ب) تجزیه و تحلیل اکولوژیکی از «محیط فقر» که امروزه طرفداران بیشتری دارند: در این نظریه، مطالعات آماری به عنوان شاخص های مناطق ناسالم شهری بکار گرفته می شود و خانه های ناسالم، بیکاری و فقر در رابطه با میزان و رشد جرائم مطالعه می گردد.

ج) نظریه طبقه بندی واحدهای مسکونی: این نظریه می گوید میزان جرائم میان اجاره نشینان بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است که بیانگر تفاوت های اجتماعی - اقتصادی میان طبقات مختلف جامعه شهری است. در این راستا دو طبقه بندی صورت می گیرد که در شکل (۱)، قابل بیان است:



شکل ۱: عناصر مورد مطالعه در در مطالعات جرائم شهری، (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۷۸)

با گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آن‌ها به مراکز ناهمگن جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی، میزان ناهنجاری‌های شهری بویژه در نواحی مرکزی و حاشیه‌ای شهرها افزایش یافته است. محیط جغرافیایی، ساختارهای نامناسب شغلی فقر اقتصادی زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی و رشد بی‌رویه ناهنجاریها را فراهم کرده است (امان‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۲).

با توجه به اینکه جرم و جنایت در مکان‌های مختلف از جمله شهرها موجب خسارت‌های بی‌شماری در سلسله مراتب فضایی می‌شود (فرولی، ملی و فراملی)، نظام‌های نظری گوناگونی در قالب تحقیقات جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی درصدد ایجاد الگوهای فضایی موثر برای کاهش جرائم هستند. بنابراین، مطالعه رابطه مکان و جرم در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی و با بهره‌گیری از نظریه «اکولوژی اجتماعی» آغاز شد. کتله^۲ و گری^۳ از پیشگامان این تفکر بودند. سپس این نظریه توسط شاو^۴ و مک‌گی^۵ در اوایل قرن بیستم میلادی دنبال شد. اما از دهه ۱۹۶۰ م تاکنون توجه وافر به مطالعه نقش جغرافیا در ارتکاب جرم و پیش‌گیری از جرم شگل گرفته است. مطالعه جرم و مکان‌های جرم خیز در سال ۱۹۹۳ به وسیله برانتینگهام^۶ برای کشف عمل متقابل مجرمین و محیط‌های کالبدی و اجتماعی بعنوان هدف جرم آن‌ها انتخاب می‌شود، ارائه شد. به نظر وی، جرم نتیجه عمل متقابل انسان و حرکت در مکان و فضا است (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۳). همچنین، مطابق با نظریه فضای قابل دفاع، شیوه طراحی محیطی در انتخاب مکان جرم و ارتکاب جرم به مجرم کمک می‌کند (Newman, 1973: 3).

یکی از مهمترین نگرش‌های جدید دیدگاه «مکان‌های جرم خیز» است که نخست بوسیله شرمن^۷، کارتین^۸ و برگر^۹ در سال ۱۹۸۹ م مطرح شد و برپایه نوعی علت‌شناسی مکانی جرم استوار گردید. طبق این نظریه، برخی از نقاط جغرافیایی خاص در شهرها به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی، و اقتصادی دارای فراوانی بالای جرم می‌باشند که گره‌های شهری (پایانه‌ها و ایستگاه‌های حمل و نقل شهری)، برخی گذرها و حواشی شهر دارای این خصیصه هستند (شرمن، ۱۹۸۹: ۵۵-۲۷). بسیار از صاحب‌نظران و از جمله طرفداران نظریه «فعالیت روزمره، هم‌گرایی و ترکیب»، ۳ عامل را دلیل پراکندگی جرم در محدوده‌های خاص جغرافیایی دانسته‌اند که این عوامل موجب شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز می‌شود (پرهیر و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۴).

۱- "Social Ecology"

۲- Catle,

۳- Gary

۴- Shaw

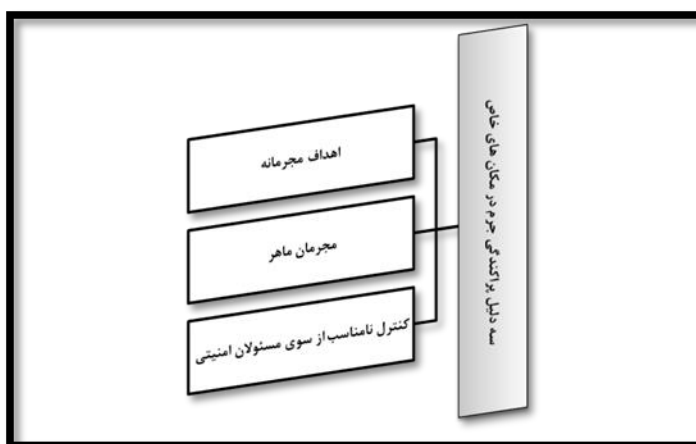
۵- McGee

۶- Brantingham

۷- Sherman,

۸- Kartin,

۹- Burger



شکل ۲: سه دلیل اصلی ارتکاب جرم در مکان های خاص، ترسیم: نگارندگان

جرم شناسی محیطی، مطالعه جرم، جنایت و آزار و اذیت است، بگونه ای که علت وقوع آن ها در وهله اول مربوط به مکان های خاص و در گام بعدی مربوط به شیوه ای است که اشخاص وسازمان ها به فعالیت هایشان به وسیله فاکتورهای فضایی یا مکان محور، شکل می دهند (Bottoms and Wiles, 1997: 305).

به طور کلی می توان گفت: در زمینه رابطه جرم و جغرافیا ۴ دسته بندی مهم وجود دارد:

جدول ۱: نظریات رابطه جرم و جغرافیا

ر	نظریات مکانی جرایم شهری	برای پیشگیری از جرم علاوه بر مجرم باید به مکان وقوع جرم نیز توجه شود و به حذف فرصتها و کاهش جرائم پرداخته شود.
۱	نظریه مکان های جرم خیز	به هم ریختگی فضایی و آشوب های مکانی در اثر نبود انسجام اجتماعی عامل اصلی شکل گیری کانون های جرم خیز مانند ساختمان های متروکه، خرابه ها و فضاهای تخریب شده در کنار نبود نظارت کافی، باعث تشویق مجرمان به ارتکاب جرم در این مکان ها می شود.
۲	نظریه مکان ویژه	توجه به مکان ویژه شهری بخصوص مرکز شهر که در آن جرایم شهر به دلیل تراکم بافت شهر و جمعیت، میزان جرایم بیشتر است. دلایل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی دلیل اصلی برای ارتکاب جرم در این مناطق است.
۳	نظریه بافت های آسیب پذیر	از این بافت ها تحت عنوان فضاهای بدون دفاع یاد می شود. فرسودگی بیش از حد اماکن شهر باعث ایجاد مخروبه ها و بیغوله ها شده است که با توجه به نبود جمعیت زیاد به مکانهای مساعد برای کجرویی های اجتماعی تبدیل شده و به مکان های جغرافیایی ناامن تبدیل گشته است. در واقع، این مکان ها غیرقابل دفاع هستند.
۴	فضای مقاوم در برابر جرم	فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آن ها بیشتر است و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورد، دارای پتانسیل کمی برای فعالیت مجرمان است. در واقع، این مکان ها قابل دفاع هستند و نظارت بر آن ها بیشتر است.

(کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰)

یافته های تحقیق

عوامل مختلف ارتکاب جرم

اغلب محققان، جرائم شهری را در شش گروه بررسی می کنند:

۱. خشونت‌های مربوط به برخورد با پلیس
 ۲. نزاع های داخلی میان اعضای خانواده، همسایگان، مالک و مستأجر
 ۳. نزاع و حمله در خیابان
 ۴. نزاع و برخورد در اماکن عمومی
 ۵. برخوردهای سیاسی و فرقه ای و مذهبی و سایر عوامل (خلیل آبادی، ۱۳۹۰: ۸۷-۹۰)
- عواملی که می توانند زمینه ساز بروز خشونت‌های شهری شوند را می توان در قالب دلایل زیر طبقه بندی نمود:
۱. وجود امکانات: این نظریه به شرایط محیط‌های کوچک مثل کافه ها، خیابانهای خلوت، ایستگاههای راه آهن تأکید دارد. در این قبیل مکانها به سبب وجود فرصتها و زمینه های مساعد، میزان حمله، دستبرد، کیف زنی و نزاع بسیار بالاست. در شهرها به سبب وجود مکان های مختلف جرائم گوناگونی روی می دهد.
 ۲. شیوه زندگی در محلات: عده ای از مردم در محلاتی اقامت می نمایند که در آنها زمینه های محیطی، امکانات مساعدی جهت ارتکاب به انواع جرائم شهری فراهم می آورند.
 ۳. خشونت خرده فرهنگها: این نظریه می گوید در پاره ای از محلات و مناطق داخلی شهرها، گروههای خرده فرهنگ گرد هم می آیند و در جهت اعتراض به فرهنگ اکثریت و ارزشهای آن، پاره ای از جرائم را مرتکب می شوند. جوانان با تشکیل گروههایی، از حقوق قانونی، حوزه زندگی و ارزشهای فرهنگ خود در برابر جامعه شهری دفاع می کنند.
 ۴. بیگانگی اجتماعی: ساکنین محلات معین شهر- به ویژه اگر متعلق به گنوهای فقر یا گنوهای قومی و مذهبی باشند- خود را نسبت به جامعه شهری بیگانه احساس می کنند. این بیگانگی و فشارهای ناشی از محدودیتهای جامعه شهری، در آنها حس دشمنی، عدوات و حقارت پدید می آورد و در برابر جامعه شهری به خشونت می ایستند.
 ۵. فشار روانی- استرس: نیاز به درآمد، تحصیل، تخصصهای اجتماعی، مسکن سالم و مطلوب، رفقا و آشنایان و عدم دستیابی به این نیازها، فشارهای روانی و استرس را سبب می شود. این عده همواره، حل مسائل خود را از طریق برخوردهای شدید می جویند.
 ۶. ناامیدی و محرومیت نسبی: این نظریه سالیان درازی است که اساس ارتکاب به انواع جرائم شهری را تشکیل می دهد. از طرفی محدودیت نسبی به ویژه در مقام مقایسه، افراد را با انواع نیازها و کمبودها بیشتر آشنا می کند و شکاف میان خود و سایر افراد را عمیق تر جلوه می دهد.
 ۷. سازمان شکنی: همه مسائل اجتماعی از جمله میزان جرائم را در رابطه با تفاوتها و خصیصه های مکانی جستجو می کند (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۸۰).

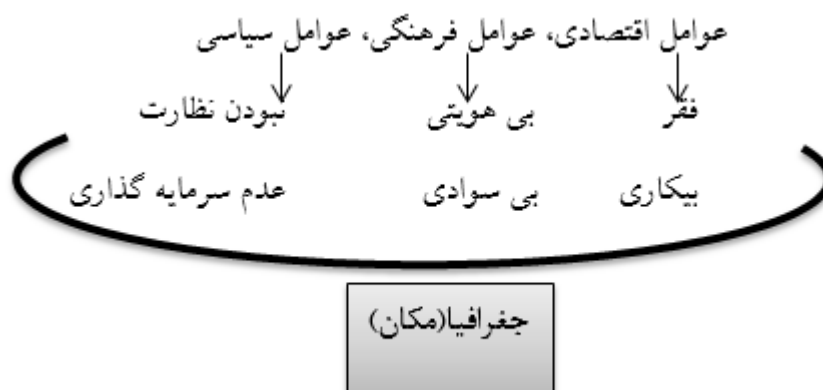
انواع جرائم، بزهکاری، طلاق، استعمال مواد مخدر، آدم ربایی، نزاع، سرقتهای مسلحانه، زورگیری و ... در نتیجه پاره شدن تعهدات رایج میان مردمی است که جامعه سعی در استحکام و تثبیت آنها دارد. سازمان شکنی گروهی از مردم مربوط به نامتجانس بودن بیش از اندازه محلات و مناطق داخلی شهرهاست. معمولاً پایتختها و کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه به دلیل هجوم انواع مهاجرتها از بافت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کاملاً نامتجانسی

برخورد دارند که این امر زمینه ساز بروز بسیاری از انواع جرائم شهری است. تلاش دولت ها در برنامه ریزی طرح پیشگیری از جرم، مصداق بارزی برای نشان دادن این موارد در شهرها است. به طور کلی، ارتکاب به انواع جرائم، منشأ اقتصادی- اجتماعی و حتی سیاسی دارد. در اغلب شهرهای امروزی جهان، آسیب پذیری از دشمنی ها و خشونت های گروهی، بیش از دشمنی های فردی قربانی می گیرد. این قبیل برخوردها از مسائل اجتماعی و مذهبی بیش از مسائل فردی تأثیر می پذیرد.

بنابراین، عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ارتکاب جرم موثر است. در واقع، رابطه مستقیمی بین شرایط اقتصادی و فرهنگی و ارتکاب جرم در شهرها وجود دارد. بعنوان مثال، جرم و جنایت همیشه در محله های حاشیه نشین و فقیر بیشتر از محله های مرفه بوده و است. همچنین، تعارض هویتی و تبعیض یکی دیگر از عوامل اصلی جرم و جنایت است. در واقع، تعارض هویتی و احساس تبعیض باعث خشم مردم و اعتراض به نظم موجود می شود. به طور کلی، احساس بی هویتی، فقر مادی و فرهنگی شلوغی و بیکاری، فقدان دسترسی به مسکن و شغل مناسب از جمله عوامل زمینه ساز جرم و بزهکاری است که برنامه ریزی برای کاهش این عوامل بدست مسئولان حکومتی و دولتی کشور است. چون اگر زمینه های جرم وجود نداشته باشد، جرم یا صورت نمی گیرد یا با کاهش روبرو می شود. سیاست هایی دولتی در تمرکز سرمایه ها و منابع در چند شهر یا یک شهر (پایتخت)، باعث عقب ماندگی و توسعه نیافتگی سایر شهرها می شود و مقدمات مهاجرت از روستا و شهر فراهم می شود. در واقع، بی نصیب ماندن اکثر شهرها از امکانات و سرمایه های عمومی مهاجرت زیادی را به مرکز کشور و شهرهای مستعد باعث می شود (Richard, 2012: 245). مهاجرت از داخل و خارج به شهرهای اصلی کشور مانند تهران و اصفهان مشهود و ... و ایجاد محله های شلوغ و پرجمعیت و اسکان در خانه های محقر و کوچک و ایجاد مکان هایی بدور از چشم شهرداری ها و حتی عوامل امنیتی، کانون های بحران و معضلات اجتماعی ایجاد می کند (کامیار، ۱۳۷۹: ۴۶).

بالابودن هزینه های ساخت مسکن در شهرها و عدم توانایی عده ای برای تامین آن به طور جنبی، موجب ایجاد هزینه های اجتماعی، نظیر بیماری، جنایت و ناامنی می شود. به گونه ای که می توان گفت: ارتکاب جرم در بین مستاجران و مالکان متفاوت است. بعبارتی، اجاره نشین ها نسبت به مالکان خانه، بیشتر مستعد جرم و جنایت هستند (Walmsly, 1999: 96).

نحوه طراحی شهرها مثلاً طراحی شطرنجی و آپارتمان نشینی در افزایش جرم اهمیت بالایی دارد. خلوتی و تاریکی محیط نیز در ارتکاب جرم دخیل است و شاید چندین دلیل دیگر که باید مورد توجه محققان، مسئولان امنیت و سیاست قرار گیرد. یکی از مهمترین دلایل که می توان حتی آن را قالب و ظرف دلایل بالا هم ذکر کرد، در ارتکاب جرم و ایجاد انگیزه مجرم، عامل جغرافیا است. در واقع، مکان های مناسب، فضاها مستعد و محیط های واجد شرایط از جمله واژه های کلیدی در پرونده های جنایی، صحبت های ماموران پلیس، حتی مجرمان هنگام بازجویی و بازپرسی است که بازگو کننده رابطه جرم و جغرافیا است.



شکل ۳: جغرافیا به مثابه قالب و ظرف تمام دلایل جرم و جنایت، ترسیم: نگارندگان

بررسی رابطه جغرافیا و جرم

جهت پیشگیری از جرم علاوه بر بزهکار باید مکان وقوع نیز مورد تاکید قرار گیرد تا با حذف فرصت های مجرمانه در محیط جغرافیایی امکان به حداقل رساندن میزان جنایت ها فراهم گردد (Weisburd, 2004: 62). آنچه مسلم است؛ برخی مکان ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین، ویژگی های اجتماعی - اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند، در مقابل، برخی مکان ها مانع و بازدارنده فرصت ها مجرمانه هستند. همین امر موجب می شود بزهکاران در انتخاب محل جرم خود به دنبال کم خطرترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند. بنابراین، شناسایی مکانی به وجود آورنده و تسهیل کننده این فرصت ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری های اجتماعی از مهم ترین اهداف بررسی های جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها محسوب می شود (بارانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹).

از این رو، در این مطالعات سعی می شود ضمن بررسی توزیع فضایی و زمانی اعمال مجرمانه و تحلیل آن وابستگی میان عوامل محیطی و شرایط اقتصادی اجتماعی مکان های جرم خیز در محدوده هایی جغرافیایی مشخص شود. بنابراین، با تهیه نقشه های بزهکاری، رابطه فضای زندگی و حوزه های اجتماعی شهر، با رفتارهای ناهنجار مشخص می شود و از این طریق پیش بینی احتمالی محل های وقوع انواع جرایم در برخی محدوده ها شهر امکان پذیر است (کلانتری: ۱۳۸۰: ۶۵).

پاک سازی مکان های بروز انواع ناهنجاری های اجتماعی و جرایم سنگین یکی از دغدغه های مهم کشور در مقطع کنونی برای دست اندرکاران قضایی و انتظامی کشور است. توجه به مکان، به عنوان عامل بی واسطه در وقوع جرم، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری این امکان را محقق می سازد تا راهکارهای عملی تری برای پیشگیری از جرم ارائه گردد. از سوی دیگر تحلیل فضایی جرم در شهرها به شناسایی الگوهای رفتار مجرمانه و در نهایت به تغییر این شرایط و خلق فضاهای مقاوم در برابر جرم و رفع ناهنجاری های شهری کمک می کند. از این رو بررسی های مکانی از اهمیت به سزایی در مطالعه جرم برخوردار می باشد. نقشه ها و تحلیل های مکانی به طور وسیعی توسط گروه های مختلف پلیس برای برخورد، مدیریت و کنترل وقوع جرم مورد استفاده قرار می گیرند. همان طور که گفته شد، بزهکاران در انتخاب مکان و زمان جرم اغلب منطقی عمل می کنند و به دنبال کمترین خطر و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی و زمانی برای بزهکاری هستند. بدین ترتیب، در محدوده شهرها کانون هایی شکل می گیرد که دارای اهداف مجرمانه و تعداد جرایم بیشتری نسبت به دیگر مناطق شهر هستند. بنابراین، شناسایی و تحلیل فضایی این

کانون ها اهمیت زیادی می یابد، تا با ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل کننده فرصت های جرم، طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در مقابل بزهکاری، امکان پیشگیری و مقابله با جرایم شهری فراهم گردد. برای وقوع جرم در مکان باید ۴ عنصر اصلی وجود داشته باشد:

۱- قانون

۲- بزهکار

۳- هدف

۴- مکان (Chung, 2005: 10). در صورتی که هر یک از این عناصر وجود نداشته باشد، جرمی بوقوع نمی پیوندد (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۲).

یکی از عوامل کاهش امنیت و افزایش جرم محله هایی قدیمی و فرسوده اند که بدلیل ویرانی و فقدان بهداشت و اسکان و گاه تراکم جمعیت؛ به مکان های جرم خیز تبدیل شده اند. در این رابطه، برای کاهش جرم؛ برخی معتقدند که باید این بافت ها فرسوده خراب شوند و برخی دیگر معتقدند که باید با سرمایه گذاری عمومی و دولتی، در این بافت ها و رسیدگی به اسکان و رفاه مردم می توان از میزان جرم در این محیطها کاسته شود (علی آبادی، ۱۳۸۱). به هم ریختگی فضایی و نبود انسجام اجتماعی عامل اصلی شکل گیری کانون های جرم خیز دانسته اند. در واقع، شرایط محیطی چون ساختمان های متروک، و خالی از سکنه، مخروبه ها و در کنار آن وجود کجروی های اجتماعی چون نزاع، شرارت و انواع مختلف خشونت و یا مصرف موارد مخدر و مشروبات الکلی و ولگردی باعث افزایش ناامنی و همجنسیت، تشویق و ترغیب افراد به جرم و جنایت می شود (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

جرم و مکان

جرم در مکان با موقعیت نسبی و ریاضی معین صورت می گیرد. بنابراین، مکان در درک جرم و و چگونگی ارتکاب آن نقش حیاتی دارد. به نظر جرم شناسان محیطی جرم از چهار مولفه قانون، مجرم، هدف و مکان تشکیل شده است. در این میان، مولفه مکان در تعیین داده های حاصل از رخدادهای جنایی از اهمیتی بیشتر برخوردار است. می توان براساس مکان رخداد جنایت ها در راستایی تحلیل آنها گام برداشت و الگوهای حاکم بر آن ها را شناسایی نمود.

از دیرباز ترسیم نقشه هایی پونزی که در تهیه آن در ادارات پلیس به شیوه دستی از حدود دویست سال پیش مرسوم شده، نشان دهنده اهمیت جغرافیا در درک جرم بوده است. نقشه برداری جرم از اولین مرحله جمع آوری داده ها، نقشی مهم در عملیات پلیسی و فرایند کاهش جرم (از طریق بازبینی و ارزیابی هر پاسخ مورد هدف) ایفا می کند که می تواند از طریق طراحی عملیات موفقیت آمیز در رویارویی با یک مسئله جرم، به مثابه سازوکاری مهم در مرحله مقدماتی اساسی تر پیشگیری از جرم عمل کند. کاربردهای نقشه برداری جرم عبارت است از:

- ثبت و نقشه برداری فعالیت های پلیس، پروژه های کاهش جرم، تماس های صورت گرفته بانروی پلیس به منظور درخواست خدمات و گزارش حوادث جرم
- حمایت از جلسات توجیهی ماموران پلیس از طریق شناسایی رخدادهای اخیر جرم و پیش بینی مکان های رخداد جرم در آینده
- شناسایی نواحی بحرانی جرم به منظور هدف گذاری استقرار و تخصیص پاسخ های مناسب در مسیر هدف کاهش جرم

- کمک به درک موثر توزیع جرم و کشف ساز و کارها، پویایی ها و مولدهای فعالیت های جنایی از طریق تحلیل الگوها با استفاده از دیگر داده های محلی
- نظارت بر تاثیر فعالیت های کاهش جرم
- استفاده از نقشه به مثابه رسانه ای به منظور برقراری ارتباط با امار عمومی جرایم نواحی و اجرای عملیات های مورد نیاز به منظور مقابله با مشکل جرم.

در نتیجه نقشه برداری جرم به ابزار اساسی در پژوهش های مرتبط با جرم شناختی و تحلیل های اماری تبدیل شده است. بررسی های متکی بر روش علمی و مبتنی بر اصول و روش های اماری درباره محیط جغرافیایی و جرم را برای نخستین بار در نیمه اول قرن نوزدهم کتله و گری، انجام دادند. برخی از منابع کتله را پدر امار جنایی و از جمله پایه گذاران مکتب جغرافیایی جنایت معرفی کرده اند و گفته می شود که تحقیقاتش باعث شده است، جرم پدیده اجتماعی تابع دو متغیر «زمان و مکان» شناخته شود (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۶).

نقطه شروع داده های تحلیل جرم از ارتباط بین «مکان» و «جرم» حاصل می شود. از آنجا که تمرکز رخدادهای جرم درون حوزه جغرافیایی مشخص در طول دوره ای زمانی، نقاط و یا نواحی بحرانی نامیده می شود، توجه به موقعیت و خصوصیات مکانی رخدادهای جرم یکی از ملزومات مهم برای شناسایی نقاط بحرانی جرم است. سابقه شناسایی و تحلیل نواحی بحرانی شهری به مثابه رویکردی علمی به دهه ۱۹۸۰- میلادی بازمی گردد. این مفهوم از جمله مفاهیمی است که طی پانزده سال اخیر در بین تحلیلگران جرایم شهری اهمیت بسیار یافته و امروزه به مثابه دستاورد معتبر برای مقابله با انحرافات اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم مطرح شده است (همان ۹۶).

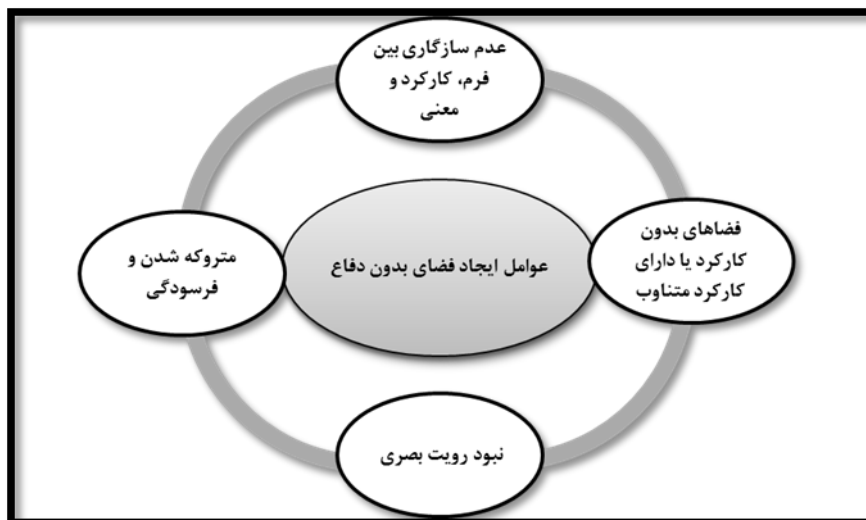
تراکم فضایی در نقاط بحرانی منجر به نمایش جرم خیزی آن مکان ها در نقشه های جنایی می شود. این گونه از نقشه ها سبب تسریع در شناسایی موقعیت جغرافیایی نقاط بحرانی جرم می شود. اما، با توجه به اینکه ذهن بشر به دریافت معنی و تشخیص الگوها و خوشه ها (حتی هنگامی که داده ها کاملاً تصادفی باشد) مقید شده است، اصولاً تفسیر بصری ساده از نقشه کافی و مناسب به نظر نمی رسد. کاربرد اصول جغرافیایی به تنهایی این اطمینان را حاصل نمی کند که تفسیری کامل و مناسب بدست آمده باشد. از این رو، از آمار فضایی برای رفع این نیاز ضروری است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۶).

مکان قابل دفاع و مکان غیر قابل دفاع

فضای قابل دفاع ابزاری، برای بازساخت محیط های مسکونی شهرها است. بگونه ای که آنها می توانند به محیط های سرزنده و قابل زیست تبدیل شوند و کنترل این شهرها نه تنها بدست پلیس؛ بلکه بدست اجتماع مشترک مردم انجام می پذیرد (Newman, 1973: 3). در واقع، میزان جرم و جنایت در مکان ها و فضاهای منزوی شده ای که به شکل بسیار ضعیفی از بازرسی دقیق عمومی دور نگه داشته شده اند، در بالاترین حد است و در مکان هایی که میزان بسیار بالای از نظارت وجود دارد احساس وحدت و همبستگی مردم زیاد است و میزان جرم و جنایت پایین است (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷). در این راستا، طراحی می تواند هم در انتخاب مکان جرم و هم در ارتکاب جرم به مجرم کمک کند و یا اینکه وی را مخفی سازد. در واقع، فضای قابل دفاع عبارت است از اصطلاحی جایگزین برای طیفی از سازوکارها، مرزهای نمادین و واقعی که مناطق نفوذ را تعریف کرده و فرصت های نظارت را بهبود می بخشد و این دو باهم ترکیب می شوند تا از این راه محیط در کنترل قرار گیرد. در مجموع همه برنامه های فضایی

قابل کنترل یک هدف کلی دارند و آن این است که بازسازی طرح های فیزیکی جوامع برای ساکنان امکان کنترل اطراف خانه خود را فراهم می کند و این موضوع خیابان و زمین های اطراف ساختمان، لابی ها و راهروهای درون آن ها را در بر می گیرد (همان، ۲۸).

به طور کلی، عوامل متعدد در ایجاد فضاهای بدون دفاع در شهر ها موثر هستند که از جمیع مهمترین آنها در شکل زیر مشهود است.



شکل ۴: عوامل ایجاد فضای قابل دفاع، ترسیم: نگارندگان

بنابراین، در پیش گیری از جرم از طریق طراحی مناسب محیط فیزیکی به دنبال این مساله هستیم که از طریق دگرگونی در شرایط هدف مورد جرم و نیز دور از دسترس قرار دادن آن نسبت به بزهکار و افزایش هزینه ارتکاب جرم وقوع جرم در مکان ها را به حداقل برسانیم. (رحمت، ۱۳۹۰: ۸۶).

به طور کلی، بیشتر جرم ها وقتی اتفاق می افتد که مرتکب، فرصت را مناسب می بیند این فرصتها ممکن است به علت یک یا ترکیبی از چند عامل باشد؛ که زمان و مکان حساس و غیرقابل دفاع چنین فرصتهایی را بوجود می آورد. در بسیاری از مواقع واژه فرصت امکان جرم در کنار امنیت بکار می رود امنیت یکی از اصلی ترین عوامل پایداری جوامع شهری بشمار می رود. بدون ثبات و امنیت هیچ جامعه ای امکان رشد و تکامل را نخواهد یافت.

جغرافیای جرم یا جغرافیای جنایی

اخیرین مبحث این تحقیق را با توجه به مطالب فوق به جغرافیای جرم تخصیص می دهیم. جغرافیای جرم، تاثیر موقعیت جغرافیایی شرایط مکانی و عوامل تسهیل کننده بر وقوع جرم را بررسی می کند. بنابراین، بررسی تاثیر محیط جغرافیایی بر وقوع جرم از یک سو و توزیع فضای جرایم از سوی دیگر در حیطه جغرافیای جرم می گنجد. بنابراین، در بررسی جغرافیای جرم که به علل محیطی و مکانی وقوع جرایم می پردازد، تلاش بر آن است که دلایل محیطی تسهیل کننده جرم شناسایی شود تا بتوان برای کاهش جرم برنامه ریزی کرد (عبادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶).

به عبارت دیگر، جغرافیای جنایی، یک رشته ای مستقل است از تعامل علوم نظیر جرم شناسی، جامعه شناسی و جغرافیا برخوردار است. مساله محوری فضایی این رشته که ریشه در اسلوب فکری جغرافیای کاربردی دارد. ثابت نموده است که عوامل و شرایط مکانی بر تکوین و تطور نرخ و موج کلی جرایم و آسیب های اجتماعی در جامعه اثر

گذار هستند و شاخص های اکولوژیکی آشکارا موازنه تعامل رفتارهای انسانی و محیط را تحت تاثیر قرار می دهند. لذا اگر یک تحلیل ناحیه ای در سطوح مختلف اجتماع شهری صورت گیرد، بوضوح می توان نموده ها و نمادهای از حقیقت استعدادجرم پذیری محیط های مختلف شهری و روستایی و پیوند مستمر جغرافیا و جنایت را مشاهده کرد. در واقع، جرایم ظرف و محدوده مکانی دارند، لذا متناسب با شرایط و موقعیت عمومی هر محیط می توان از نرخ جرم خاصی سراغ گرفت. بنابراین، چنانچه رسالتی چون مهار نرخ جرم در جامعه مدنظر باشد، ابتدا بایستی به درک درستی از چهره محیط و امان پیرامون دست یافت و آن گاه ببا شناسایی فرصت ها، فضا و استعدادهای مکانی موجود و با کنترل و مدیریت شرایط بحرانی و آسیب زای فضای های مختلف بستری برای کمرنگ شدن احتمالی نرخ ارتکاب و تکرار جرم در اجتماع فراهم آورد (صفاری، ۱۳۹۴: ۱۳).

جغرافیای جنایی نشان می دهد که با به تصویر کشیدن تعامل مکان و جرم نشان می دهد هر جامعه ای دارای یک «مزرعه جنایی» است که متاسفانه از هیچ علف هرزی برخوردار نیست. همیشه دارای محصولات پربار بوده و است. بنابراین، باید با داشتن آفت هایی کنترل برای پیشگیری از رشد آن پرداخته شود.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش بنیادی حاضر، نشان دهنده، رابطه جرم و جغرافیا بویژه در شهرهای بزرگ عصر حاضر است. و با تشریح نظریات و دیدگاههای مربوطه به این سوال که چرا در برخی مکان ها جرم و جنایت افزایش یافته و در برخی دیگر شاهد کاهش جرم هستیم؟ پاسخ داد. در واقع، این فرضیه که رابطه ای مستحکم بین فضای جغرافیایی و جرم وجود دارد که مجرمان قبل از ارتکاب به جرم نخستین افکار خود را در چارچوب سوژه مورد نظر با در نظر گرفتن شرایط مکانی غربالگری می کنند. در این مقاله به اثبات رسید.

با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که نظریه ای جدید قابل بررسی است که شامل «زمان و مکان حساس برای ارتکاب جرم» است. در واقع، در زمان هایی مثل اول صبح، ظهر و سحر مجرمان از زمان استفاده می کنند، برای ارتکاب انواع جرم. چون این زمان، زمان استراحت و یا زمانی است که اوج خلوت بودن می باشد در معابر. و کوچه ها رفت و آمدی صورت نمی گیرد و ماموران نظامی باید در این زمان ها نظارت خود را چند برار کنند و طرحهای خود را برای اجرا به این زمان ها موکول کنند. اما مکان حساس مانند کوچه ها و خیابان های خلوت و کم رفت آمد، بناهای متروکه و فرسوده و خرابه های به جا مانده از اماکن مسکونی قبل و همچنین، ساختمان ها و پروژه های نیمه تمام و رها شده (به دلایل ویژه خود)، پارکها بویژه پارکهایی که به بیابان و یا به زمین های کشاورزی و دارای درختان متراکم برای پنهان شده مجرم ختم می شود و روی پل عابر پیاده از نوع پل های سرپوش دار و.... می تواند مکان جرم خیز باشد و وظیفه مسئولان انتظامی است که پاس های پیاده خود و گشت های موتور و ماموران نظامی خود را در این مکان های حساس و در زمان های حساس برای نظارت و ایجاد امنیت انتظامی بفرستد و به طور کلی، بیشتر جرم ها وقتی اتفاق می افتد که مرتکب، فرصت را مناسب می بیند. این فرصتها ممکن است به علت یک یا ترکیبی از چند عامل باشد؛ که زمان و مکان حساس چنین فرصتهایی را بوجود می آورد. در نتیجه رابطه جغرافیا و جرم بوضوح مشخص می شود.

منابع

- ۱- آشنایدر، تاد(۱۳۸۵). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزشی، ترجمه سروش بهربر، تهران: انتشارات علوم انتظامی امین.
 - ۲- ابراهیمی، نسرين و دیگران(۱۳۹۴). مروری بر روش های آماری تحلیل داده های جرم مبتنی بر مکان، توسعه سازمانی پلیس، شماره ۵۳، صص ۸۹-۱۱۲
 - ۳- امان پور، سعید، شجاعیان، علی، شنبه پور، فرشته(۱۳۹۴). تحلیل جغرافیایی مکان های جرم خیز، در مناطق شهری اهواز، پژوهشهای جغرافیای انتظامی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۵۳-۷۳
 - ۴- بارانی، محمد، کلانتری، محسن و جباری، کاظم(۱۳۸۹). تحلیل الگوهای زمانی مکانی بزهکاری در مناطق شهر(مطالعه موردی، جرایم سرقت به عنف و شرارت و باج گیری در بخش مرکزی شهر تهران)، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، صص ۷-۱۹.
 - ۵- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران(۱۳۹۰). تحلیل جغرافیایی کانون های جرم خیز جرایم مرتبط با مخدر در شهر کرمانشاه، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۹۶-۷۵.
 - ۶- پرهیز، فریاد و دیگران(۱۳۹۵). شناسایی و تحلیل مکانی کانون های جرم خیز در کلان شهرها، مطالعه موردی منطقه ۱۲ تهران، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۵، شماره ۴، صص ۴۹-۶۸.
 - ۷- حسینی، نرجس سادات (۱۳۹۷). تبیین پدیده شهر در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، رساله دکترا، دانشگاه تهران.
 - ۸- علی آبادی، جواد(۱۳۸۱). نقش فضاهای شهری در تامین امنیت، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۱.
 - ۹- خلیل آبادی، حسن(۱۳۹۰). ژئوپلیتیک شهری، تهران: نشر پژوهشی نوآوران شریف.
 - ۱۰- کامیار، غلامرضا(۱۳۷۹). حقوق شهرسازی تهران، تهران: مجد.
 - ۱۱- کلانتری، محسن(۱۳۸۰). بررسی جغرافیای جرم، رساله دکترا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
 - ۱۲- کلانتری، محسن، قزلباش، یغمایی، بامشاد(۱۳۹۰). تحلیل الگوهای فضایی بزهکاری، در مناطق اسکان غیررسمی شهرها مورد مطالعه: منطقه اسکان غیررسمی بی سیم در شهر زنجان، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۴، صص ۱۷۳-۱۹۳
 - ۱۳- قالیباف، باقر، انصاری زاده، سلمان، پرهیز، فریاد(۱۳۹۰). بررسی و تحلیل نقش کانون های جرم خیز در وقوع جرایم شهری، شهرداریها، سال ۱۱، شماره ۱۰۰، صص ۲۲-۳۲.
 - ۱۴- رحمت، محمدرضا(۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، تهران: میزان.
 - ۱۵- عبادی نژاد، علی، بارانی، وحید و صادقی، یدالله (۱۳۹۴). جغرافیای جرم، تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین.
 - ۱۶- عبادی نژاد و علی و همکاران، (۱۳۹۶). تجزیه تحلیل مکانی فضایی مناطق جرم خیز براساس روش ترکیبی تحلیل عاملی و خوشه، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال نهم، شماره ۲، صص ۱۹-۴۸
 - ۱۷- صفاری، علی و کونانی، سلمان (۱۳۹۴). درآمدی بر جغرافیای جنایی، چاپ دوم، تهران: مجد.
- 18-Newman, o.,(1973). *Defensible Space Crime Prevention through Urban Desing*. New York: Macmillan.
- 19- Chung, E.,(2005). *Use of GIS in campus crime analysis: A Case study of the - university of Hong Kong*.(Unpublished master ,s thesis). Retrieved from hub.hku.hk/bittstream/10722/40958/1/fulltext.pdf.62
- 20- Richard, M. (2012) *Urban Poverty Reduction: Slum Prevention And UrbanUpgrading*. World Bank, page 254.
- 21- Walmsly, D. J. (1999), *Urban Living*. Longman Scientific & Tecnichal, New York, page 96.

22- Felson, M. and R. V. Clarke (2001). Opportunity Makes the Thief. Crime Detection and Prevention Series, Paper 98. Police research Group. London: Home Office.